

## ماهیت و شرایط مسئولیت ضامن چک در حقوق ایران

ربیعا اسکینی<sup>□</sup>

دانشیار پژوهشگاه علوم و فنون هسته‌ای سازمان انرژی اتمی ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۶/۵/۳ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۶/۸/۲)

### چکیده:

ماده ۳۱۴ قانون تجارت ایران مقرر می‌دارد که: «مقررات این قانون از ضمانت صادرکننده و ظهرنویس‌ها و اعتراض و اقامه دعوی ضامن و مفقود شدن راجع به بروات شامل چک نیز خواهد بود». آیا، بر اساس این ماده، ضامن چک مانند ضامن برات، مسئولیت تضامنی دارد؟ آیا برای مراجعه به ضامن چک به تبع مراجعه به مسئولین اصلی (صادرکننده و ظهرنویس) رعایت همان تشریفات لازم است که در خصوص برات باید رعایت شود؟ این مقاله در مقام پاسخ دادن به سؤالات مزبور است. پاسخ به سؤال اول از این حیث مهم است که بعضی مولفین در مسئولیت تضامنی ضامن چک تردید کرده‌اند و بنابراین لازم است موجه بودن این تردید مورد ارزیابی قرار گیرد؛ پاسخ به سؤال دوم نیز ما را با ویژگی بعضی قواعد حاکم بر ضمانت در چک به نسبت ضمانت در برات آشنا می‌کند.

### واژگان کلیدی:

برات - چک - ضامن - اعتراض - مسئولیت تضامنی.

### مقدمه

به موجب ماده ۳۱۴ قانون تجارت: «صدور چک ولو اینکه از محلی به محل دیگر باشد ذاتاً عمل تجارتي محسوب نیست لیکن مقررات این قانون از ضمانت صادرکننده و ظهرنویس ها و اعتراض و اقامه دعوی ضمان و مفقود شدن راجع به بروات شامل چک نیز خواهد بود».

وجود این ماده از قانون تجارت قاعداً باید ما را از این بی‌نیاز کند که در خصوص مسئولیت ضامن چک در مقایسه با ضامن برات، بحثی مستقل داشته باشیم. زیرا از ظاهر ماده می‌توان استنباط کرد که مقررات راجع به تعهد ضامن در چک همان است که در قانون تجارت در بحث راجع به برات ذکر شده است. این برداشت را این واقعیت تقویت می‌کند که در حقوق فرانسه، که قانون‌گذاری ما در ارتباط با برات و چک از آن ملهم است، جز در مورد مهلت‌های مراجعه به ضامن که تابع مهلت‌های مراجعه به مضمون‌عنه است، ضامن چک و برات تحت شرایط واحد مسئول شناخته می‌شوند.

اما، در ایران اگرچه چک، آنطور که ماده ۳۱۴ قانون تجارت مقرر می‌کند، به طور کلی تابع مقررات راجع به برات است، لیکن در همه احوال تابع مقررات سند اخیر نیست، چه از حیث مهلت‌های رجوع به ضامن و چه در ارتباط با شرایط مراجعه به او.

از طرف دیگر، یکی از اساتید در اصل تضامنی بودن مسئولیت ضامن چک در حقوق ایران، تردید کرده‌اند و در ارتباط با تعهد ضامن، حقوق ایران را با حقوق فرانسه متفاوت تلقی می‌کنند که طبق آن ضامن چک، مانند ضامن برات، مسئولیت تضامنی دارد.

ملاحظات بالا اختصاص بحثی مستقل درباره تعهد ضامن در چک در قیاس با تعهد ضامن در برات را توجیه می‌کند. اما، این بحث مستقل تنها تا حدودی موجه است که به ویژگی‌های تعهد ضامن و شرایط رجوع دارنده به او مربوط می‌شود و قواعد مشترک حاکم بر تعهد ضامن در چک و برات مورد بحث قرار نمی‌گیرد. به همین جهت در این نوشتار، ابتدا ماهیت حقوقی مسئولیت ضامن در چک به بررسی گذاشته می‌شود (بخش اول) و سپس از شرایط خاص رجوع دارنده به او صحبت خواهد شد (بخش دوم).

### بخش اول - ماهیت حقوقی تعهد ضامن در چک

آیا ضامن در چک مانند ضامن در برات، تعهدی تضامنی دارد یا غیرتضامنی؟ طرح این سؤال ممکن است برای خواننده عجیب به نظر برسد. وقتی که در حقوق فرانسه که قانون تجارت ایران از آن اقتباس شده است، مسئولیت ضامن چک از مقررات حاکم بر ضمانت در برات تبعیت می‌کند (Ripert et Roblot, 2004, no 2115) چگونه می‌توان تصور کرد که در حقوق

ایران تعهد ضامن در چک برخلاف تعهد ضامن در برات، تضامنی نباشد؟ معذک بعضی از اساتید حقوق تجارت در این قضیه تردید کرده‌اند.

سبب این تردید اختلافی است که در متن منتشر شده ماده ۳۱۴ قانون تجارت ایجاد شده است. در واقع، مطالعه مجموعه قانون‌های انتشار یافته و در دسترس نشان می‌دهد که قسمت دوم ماده ۳۱۴ قانون تجارت که به بحث ما (ضمانت ضامن در چک) مربوط می‌شود با عبارات مختلف چاپ شده است. در بعضی مجموعه‌ها عبارت ماده چنین است: «مقررات این قانون از ضمانت صادرکننده و ظهرنویس‌ها و اعتراض و اقامه دعوی ضامن و مفقود شدن راجع به بروات شامل چک نیز خواهد بود<sup>۱</sup>. بعضی مجموعه‌ها عبارت ماده را چنین نوشته‌اند: «مقررات این قانون از ضمانت صادرکننده و ظهرنویس‌ها و اعتراض و اقامه دعوی و ضامن و مفقود شدن راجع به بروات شامل چک نیز خواهد بود<sup>۲</sup>. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، متون بالا با یکدیگر در وجود و نبود حرف «و» در عبارت «اقامه دعوی ضامن» تفاوت دارند یعنی در یکی بین عبارت «اقامه دعوی» و کلمه «ضامن» حرف «و» وجود ندارد و در دیگری عبارت «اقامه دعوی» با حرف «و» از لفظ «ضامن» جدا شده است.

تفاوت در عبارت‌های مجموعه‌های موجود باعث شده است که مؤلفین نیز در کتب خویش بعضی از «اقامه دعوی ضامن» صحبت کنند (اعظمی زنگنه، ۱۳۴۶: ص ۲۶۵؛ عرفانی، ۱۳۸۲: ۱۱۱؛ کاتبی، ۱۳۴۶: ۲۴۱؛ دمیرچیلی، حاتمی و قرانی، ۱۳۸۱: ۵۹۵؛ ستوده تهرانی، ۱۳۷۴: ۱۴۱) و بعضی از «اقامه دعوی و ضامن» (قائم مقام فراهانی، ۱۳۷۹: ۱۵۶؛ اسکینی، ۱۳۸۳: ۲۳۵). اما بررسی متن اصلی ماده ۳۱۴ نشان می‌دهد که در متن اولیه مصوب مجلس شورای ملی حرف «و» وجود ندارد و عبارت به صورت «اقامه دعوی ضامن» آمده است که با متن ماده در قانون تجارت ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴ نیز، تطبیق می‌کند. این متن از بند ۴ ماده واحده مصوب ۱۴ ژوئن ۱۸۶۵ اقتباس شده است. عین عبارت بند ۴ ماده واحده اخیر که در حال حاضر از قانون‌گذاری فرانسه حذف شده، چنین است:<sup>۳</sup>

Toutefois, les dispositions du code de commerce relatives a La garantie solidaire du tireur et des endosseurs, au protet et a l' action en garantie en matiere de lettre de change sont applicables aux cheques.

۱. ر.ک. به: «مجموعه قوانین و مقررات بازرگانی و تجاری» به اهتمام غلامرضا اشرفی، انتشارات کتابخانه گنج دانش ۱۳۶۳، ص ۱۴۴.

۲. ر.ک. به: «قانون تجارت» که به اهتمام جهانگیر منصور، توسط نشر دیدار، سال ۱۳۷۹ چاپ شده است.

۳. تعهد ضامن چک در حال حاضر تابع ماده ۲۶ - ۱۳۱ L قانون پولی و مالی فرانسه است که متن آن مانند متن ماده ۲۱ - ۵۱۶ L قانون تجارت راجع به تعهد ضامن در برات است.

«مفهوم تحت‌اللفظی این عبارت این است: «معذک، مقررات قانون تجارت راجع به ضمانت تضامنی صادرکننده و ظهرنویسان و اعتراض و اقامه دعوی ضمانت درخصوص برات به چک (ها) نیز قابل اعمال است».

اما آیا وجود یا نبود «و» در ماده ۳۱۴ قانون تجارت ایران تأثیری در ماهیت تضامنی یا غیر تضامنی مسئولیت ضامن چک دارد یا خیر؟ دکتر فخاری در مقاله‌ای تحت عنوان «ضامن در چک» که به تحلیل ماده ۳۱۴ پرداخته به این سؤال پاسخ مثبت داده. (فخاری، ۱۳۷۷، ص ۹ به بعد) و معتقد است. عدم وجود حرف «و» به معنی این است که تعهد ضامن در چک دیده نشده و عبارت «اقامه دعوی ضمان» در متن ماده به معنی ضمانت صادرکننده و ظهرنویس است و نه ضامن. در حالی که چه نزد اکثر مؤلفین و چه در رویه قضائی بر تعهد تضامنی ضامن در چک تأکید شده است. سؤالی که مطرح می‌شود این است که کدام یک از این نظریات صحیح است؟ برای پاسخ دادن به این سؤال لازم است ابتدا نظریه غیر تضامنی بودن تعهد ضامن را در چک مطرح کنیم و سپس به بحث در باره نظریه مسئولیت تضامنی ضامن چک بپردازیم.

### مبحث اول - نظریه غیر تضامنی بودن تعهد ضامن چک

تا آنجا که نگارنده مطلع است آقای دکتر فخاری تنها مؤلفی هستند که معتقدند ضامن در چک برخلاف ضامن در برات و سفته، تعهد تضامنی ندارد و می‌گویند: «در ماده ۳۱۴ مقنن به هیچ وجه در مورد دخالت ضامن و مسئولیت او مطلبی بیان نداشته است و مسلماً مراد قانون‌گذار از «اقامه دعوی ضمان» این است که اگر دارنده سند بخواهد دعوائی درباره مسئولیت تضامنی صادرکننده و ظهرنویسان چک اقامه کند باید مقررات مربوط به اقامه دعوای راجع به برات را اعمال کند، از جمله این که در مواعید مقرر در مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ دادخواست خود را به ثبت برساند». در توجیه این نظر، مؤلف مطالبی بیان می‌کند که خلاصه آن این است:

۱- مداخله ضامن در چک بی‌وجه است چون چک وسیله پرداخت فوری و نقدی است. «بنابراین وقتی چک را دارنده آن می‌تواند به محض دریافت به بانکی که به عهده آن صادرشده ارائه و وجه آن را مورد مطالبه قرار دهد، دخالت ضامن نمی‌تواند دارای توجیه باشد» (همان، ۱۳ و ۱۴)؛

۲- مداخله ضامن از این جهت نیز بی‌وجه است که معمولاً افراد تا به صادرکننده اطمینان نداشته باشند از او چک قبول نمی‌کنند و «پذیرش چک با این اعتقاد صورت می‌گیرد که صادرکننده از اعتبار لازم برخوردار است و با ارائه چک به بانک محال‌علیه پرداخت انجام می‌شود» (همان، ۱۴)؛

۳- «اگر در ضمیمه شماره ۱ کنوانسیون ژنو مصوب ۱۹۳۱ راجع به چک (قانون یکنواخت ژنو) مقرراتی درخصوص دخالت ضامن در چک وجود دارد، به خاطر بین‌المللی بودن این مقررات است و «چک در کشوری صادر می‌شود و ممکن است بانک مجال‌علیه آن در کشور دیگر باشد و دارنده آن در کشور سومی مقیم باشد و احتمال ظهرنویسی آن به نفع شخصی که در کشور چهارمی اقامت داشته باشد، وجود دارد» بخاطر عدم اطمینانی که از بعد مسافت بین محل تسلیم چک به دارنده و محل ارائه چک برای پرداخت وجود دارد، دخالت ضامن قابل توجیه است» (همان: ۱۴)؛

۴- از آنجا که در ماده ۳۱۴ قانون تجارت برای ضامن چک مسئولیت تضامنی گذاشته نشده است و مسئولیت تضامنی در حقوق ایران خلاف اصل است، لذا نمی‌توان به تفسیر موسع قانون تجارت پرداخت و مسئولیت فردی که صراحتاً تضامنی شناخته نشده است را تضامنی شناخت (همان: ۱۶).

البته نویسنده به طور ضمنی اذعان می‌کنند که در حقوق فرانسه مسئولیت ضامن چک نیز تضامنی است، لیکن توضیح می‌دهند که این تضامنی بودن ناشی از رسمی است که حتی قبل از تدوین قانون تجارت بوده است که به موجب آن در امور تجاری مسئولیت تضامنی است، ولی «به هیچ وجه نمی‌توان این عقیده را ابراز داشت که چون مقررات قانون تجارت ایران عمدتاً از مقررات تجاری فرانسه ترجمه و اقتباس شده است و در آن کشور اصل مسئولیت تضامنی در امور تجاری برقرار است، در حقوق ایران نیز باید اصل مزبور را جاری دانست» (همان: ۱۷).

به استدلالات فوق می‌توان چنین پاسخ داد که:

۱- اینکه چک وسیله‌ای برای پرداخت فوری به جای پول است، فرض بی‌اعتمادی به اعتبار صادرکننده را منتفی نمی‌کند، زیرا، اولاً، معلوم نیست که صادرکننده حین صدور چک در حساب خود وجهی داشته باشد و ثانیاً، بر فرض موجود بودن وجه، معلوم نیست که صادرکننده بلافاصله بعد از صدور و تسلیم چک و قبل از ارائه آن به بانک توسط دارنده، موجودی حساب را با صدور چک دیگری برداشت نکند، کاری که می‌تواند بکند. وجود ضامن صادرکننده موجب رفع بی‌اعتمادی دارنده می‌شود.

۲- پیش‌بینی دخالت ضامن در چک به موجب کنوانسیون ژنو به خاطر بین‌المللی بودن روابط طرفین چک نیست که بعد مسافت بین آنها ضرورت رجوع به ضمانت ضامن در چک را ایجاب می‌کند. در واقع قانون یکنواخت قرار نیست تنها در مورد روابط بین‌المللی قابل اعمال باشد بلکه قانونی است نمونه که وضع شده است تا کشورها با گنجاندن در سیستم قانون‌گذاری داخلی خود مقررات آن را برای روابط

داخلی و بین‌المللی خود برگزینند. نمونه بارز این کشورها کشور فرانسه است که مقررات ژنو را طی قانون ۳۰ اکتبر ۱۹۳۵ به تصویب رسانده و وارد قانون داخلی خود کرده است.

۳- این درست است که از مواد ۴۰۳ به بعد قانون تجارت چنین برمی‌آید که ضمانت در حقوق ایران اصولاً جنبه تضامنی ندارد مگر آنکه قانون صراحتاً بیان کند یا طرفین قراردادی بر آن توافق کنند، لیکن نمی‌توان گفت که ماده ۳۱۴ قانون تجارت متضمن تعهد تضامنی ضامن چک نیست، ولو این که بین کلمات «اقامه دعوی» و کلمه «ضمان» حرف عطف واو وجود نداشته باشد. بیهوده نیست که اکثریت حقوقدانان و دست‌اندرکاران قضائی به تضامنی بودن مسئولیت ضامن در چک نظر داده‌اند.

### مبحث دوم - نظریه تضامنی بودن تعهد ضامن در چک

اغلب نزدیک به اتفاق مؤلفین حقوق تجارت و نیز بعضی از مؤلفین حقوق مدنی که به مناسبتی به این بحث پرداخته‌اند، این‌گونه نظر داده‌اند که ضامن چک مسئولیت تضامنی دارد. رویه قضائی نیز بر همین نظر است. ابتدا و به ترتیب این نظریه‌ها را مطرح و سپس به توجیه آنها می‌پردازیم.

#### الف- نظریه‌های مؤلفین حقوق

بعضی مؤلفین یا به سبب اینکه مسأله را بدیهی دانسته‌اند و یا به لحاظ آنکه موردی پیش نیامده که در آن ضمانت تضامنی ضامن چک مورد تردید قرار گیرد از کنار مسأله آسان گذشته و صرفاً بر مبنای ماده ۳۱۴ بر اجرای مقررات راجع به برات در مورد چک تأکید کرده‌اند. به عنوان مثال، دکتر اعظمی زنگنه به این عبارت بسنده می‌کند که: «مقررات مربوط به ضمانت صادرکننده و ظهرنویس‌ها و اعتراض و «اقامه دعوی ضمان» و مفقود شدن راجع به بروات شامل چک نیز خواهد بود» (اعظمی زنگنه، ۱۳۴۶: ۲۴۱). از فحوای سخن مؤلف برمی‌آید که ایشان چک را با برات مقایسه می‌کند و بنابراین تمامی مقررات مربوط به برات را در خصوص چک قابل اعمال می‌داند. تدقیق در گفته‌های این مؤلف نشان می‌دهد که او به اجرای مقررات برات در مورد چک در حالی عقیده دارد که متن صحیح ماده ۳۱۴ قانون تجارت را، چنانکه به تصویب رسیده، یعنی با عبارت «اقامه دعوی ضمان» آورده است و از «واو» عطف بین «اقامه دعوی» و «ضمان» در متن سخن او خبری نیست. دکتر ستوده تهرانی از مسئولیت ضامن چک به نحوی صریح‌تر صحبت می‌کند: «در صورتی که وجه چک پرداخت نشود صادرکننده چک و ظهرنویسان و ضامنان- در صورتی که وجود داشته باشند- در مقابل دارنده چک مسئولیت

تضامنی دارند و ماده ۳۱۴ قانون تجارت مقررات مربوط به بروات را شامل چک نیز دانسته است» (ستوده تهرانی، ۱۳۷۴: ۱۴۳). دکتر اخلاقی را نیز باید از جمله مؤلفانی تلقی کرد که اعتقاد به این نظر دارند. به عنوان نمونه ایشان در مقاله‌ای تحت عنوان «چک در قلمرو حقوق تجارت بین‌الملل» در بحث قابلیت اعمال قواعد حل تعارض راجع به برات درباره چک می‌نویسد: «بدیهی است آن دسته از قواعد تعارض قوانین درباره برات که ناظر بر قانون قابل اعمال بر قبولی برات است در خصوص چک مثل سفته مورد ندارد» ولی دیگر قواعد حل تعارض قوانین ناظر بر شرایط شکلی و ماهوی چک مثل اهلیت امضاءکننده و ظهرنویسان ...، آثار تعهدات ناشی از چک، ضمانت، محل چک ... و عنداللزوم طرح دعوی، حسب مورد می‌تواند در مورد این سند تجاری نیز قابلیت اعمال داشته باشد (اخلاقی، ۱۳۶۹: ۸). اشاره مؤلف به اینکه قواعد حل تعارض راجع به برات، از جمله در مورد «ضمانت» در خصوص چک نیز قابل اعمال است، می‌رساند، که از نظر ایشان نیز «ضمانت» در چک تابع «ضمانت» در برات است. بالاخره دکتر کاتوزیان، آنجاکه در باب تضامنی بودن عقد ضمان صحبت می‌کنند، برای ارائه مثالی در باب غیرتشریفاتی بودن این عقد به مورد اسناد تجاری اشاره می‌کنند و می‌گویند «امضاء برات و سفته و چک (از جانب ضامن) به تنهایی در حکم ضمانت است. این ضمانت همیشه جنبه تضامنی دارد، ولی ضامن فقط با کسی مسئولیت تضامنی دارد که از او ضمانت کرده است» (کاتوزیان، ۱۳۶۴: ش ۱۵۲).

بدین ترتیب، معلوم می‌شود که از دید اکثر مولفان، ضمانت ضامن از مسئولین چک مانند برات است و ماده ۳۱۴ قانون تجارت آنجاکه صحبت از «اقامه دعوی ضمان» می‌کند راجع به تعهد صادرکننده و ظهرنویس نیست.

### ب - موضع مراجع قضائی

رویه قضائی نیز این تلقی را از ماده ۳۱۴ قانون تجارت دارد. به عنوان مثال، می‌توان از رأی اصراری هیأت عمومی دیوان عالی کشور در سال ۱۳۴۵ صحبت کرد. در این رأی که به عدم ضرورت اعتراض در مورد چک اشاره شده است، به طور واضح می‌توان تفکر دیوان کشور را استنباط کرد که با توجه به ماده ۳۱۴ قانون تجارت مقررات برات را از هر حیث در خصوص چک قابل اعمال دانسته است. در ابتدای رأی می‌خوانیم: «هرچند ماده ۳۱۴ قانون تجارت مقررات راجع به بروات و سفته را شامل چک نیز دانسته ولی درباره بحث (ضرورت اعتراض در مورد چک) فقط کیفیت اعتراض مورد نظر است...»<sup>۱</sup> از این عبارت رأی که «ماده ۳۱۴ قانون تجارت مقررات راجع به بروات و سفته را شامل چک نیز دانسته» به خوبی فهمیده

۱. دیوان کشور بعداً طی رأی وحدت رویه شماره ۵۳۶ - ۶۹/۷/۱۰ برصحت این رأی اصراری مهر تأیید گذاشت.

می‌شود که مقررات ضمانت هم مورد نظر دیوان بوده است، زیرا دیوان بیانی مطلق دارد و استثنائی (از جمله استثناء ضمانت در چک) را مطرح نمی‌کند. نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه از این هم صریح‌تر است: «امضاء شخص ثالث در ظهر سفته و برات یا چک عرفاً - یعنی در عرف تجار و کسبه - ضمانت پرداخت وجه آن توسط امضاکننده محسوب و طبق ذیل ماده ۲۴۹ و ماده ۳۱۴ قانون تجارت موجب مسئولیت تضامنی امضاکننده ظهر چک خواهد بود. لیکن ضامن تنها با کسی مسئولیت تضامنی دارد که از او ضمانت کرده است (مضمون عنه) و در این مورد فرقی بین چک در وجه حامل یا در وجه شخص معین وجود ندارد»<sup>۱</sup>.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، اکثر حقوقدانان و نیز دست‌اندرکاران قضائی بر این نظر هستند که ضامن چک نیز در اجرای ماده ۳۱۴ قانون تجارت دارای مسئولیت تضامنی است، هرچند لازم ندیده‌اند که در اثبات نظر خود استدلالاتی نیز ارائه دهند. به این سبب، ما، ضمن تأیید این نظرات، در زیر به توجیه این نظریه می‌پردازیم.

#### ج - توجیه نظریه تضامنی بودن مسئولیت ضامن در چک

ما قبلاً دلایل رد نظریه عدم مسئولیت تضامنی ضامن در چک را به مناسبت بحث در خصوص این نظریه، مطرح کردیم. در جهت قبول نظریه مخالف یعنی قبول مسئولیت تضامنی ضامن چک نیز می‌توان چند نکته‌ای را مطرح کرد.

عبارت «اقامه دعوی ضمان» در ماده ۳۱۴ قانون تجارت ناظر بر دعوی ضامن است و نه دعوی صادرکننده و ظهرنویس، زیرا قانونگذار در ابتدای ماده حق مراجعه دارنده به صادرکننده و ظهرنویس را به رسمیت شناخته است، هرچند از تعهد آنها به «ضمانت» تعبیر می‌کند. وقتی در ابتدای ماده، قانونگذار به مسئولیت تضامنی صادرکننده و ظهرنویس اشاره کرده و مقررات راجع به بروات را در مورد آنها قابل اعمال می‌داند، چه دلیلی دارد که در پایان ماده نیز با بکاربردن لفظ «ضمان» همین مطلب را تکرار کند؟ آوردن لفظ «ضمان» در پایان ماده تکرار و تأیید مسئولیت تضامنی صادرکننده و ظهرنویس که قبلاً بیان شده است نیست بلکه حکایت از اشاره به تعهد شخص دیگری دارد که ضامن است.

اگر خوب در متن ماده دقت کنیم می‌بینیم که قانونگذار در حالیکه در ابتدای ماده برای تعهد صادرکننده و ظهرنویس لفظ «ضمانت» را به کار می‌برد، در انتهای ماده از لفظ «ضمان» استفاده می‌کند که در قانون‌گذاری ما به معنی این است که «شخصی مالی را که بر ذمه دیگری است به عهده بگیرد» (ماده ۶۸۴ ق.م.ا). در حالی که «ضمانت صادرکننده و ظهرنویس» به هیچوجه به معنی «به عهده گرفتن ذمه دیگری» نیست، بلکه آنان تعهد مستقل و اصلی خود را

۱. نظریه شماره ۷/۱۹۵۰ - ۱۳۷۲/۴/۲، ضمیمه روزنامه رسمی شماره ۶۲۰، ص ۱.



دارند و نه اینکه مانند ضامن تعهد تبعی و فرعی داشته باشند. به نظر ما، به کاربردن دو لفظ «ضمانت» (برای صادرکننده و ظهرنویس) و «ضمان» (برای ضامن) در ماده ۳۱۴ درحالی که در ماده واحده مصوب ۱۸۶۵ فرانسه که مبنای ماده ۳۱۴ مرقوم است برای هر دو مورد لفظ واحد «garantie» به کار رفته است عامداً صورت گرفته است. به عبارت دیگر، ماده ۳۱۴ نه ترجمه تحت اللفظی ماده واحده فرانسوی بلکه اقتباسی از آن است که نهایتاً به پذیرش راه حل حقوق فرانسه در ایران یعنی تضامنی بودن تعهد ضامن منجر شده است. حتی اگر بتوان گفت که ماده واحده مصوب ۱۸۶۵ فرانسه که ماده ۳۱۴ ق.ت.ایران از آن اقتباس شده، متضمن مسئولیت ضامن نبوده است و مسئولیت ضامن چک در حقوق این کشور با توجه به اصل تضامنی بودن مسئولیت در امور تجاری تضامنی تلقی می‌شده، ماده ۳۱۴ قانون تجارت را نمی‌توان ترجمه‌ای صرف از ماده واحده مزبور دانست. زیرا، همان‌طور که گفته شد، ماده ۳۱۴ قانون تجارت در حالی که در قسمت اول از ضمانت صادرکننده و ظهرنویس صحبت می‌کند، در قسمت دوم از «دعوی ضمان» صحبت می‌کند و نه «دعوی ضمانت»، قانون‌گذار ما فکر کرده است که در حقوق ایران تا صراحت قانونی براین امر نباشد، مسئولیت ضامن تضامنی تلقی نمی‌شود (ماده ۴۰۳ ق.ت.). به همین دلیل او از جمع ماده واحده مورد بحث در فرانسه و اصل تضامنی بودن در امور تجاری در این کشور ماده ۳۱۴ مورد بحث را به گونه‌ای تنظیم کرده است که در کل بر مسئولیت تضامنی ضامن چک دلالت می‌کند.

### بخش دوم - شرایط رجوع دارنده به ضامن در چک

ضامن چک به حکم ماده ۳۱۴ ناظر به ماده ۲۴۹ قانون تجارت مسئولیتی تضامنی دارد. اما از آنجا که ضمانت جنبه تبعی دارد، مسئولیت او همان است که قانون برای مضمون‌عنه او قرار داده است. به موجب ماده ۲۴۹ قانون تجارت: «ضامن که ضمانت برات دهنده یا محال‌علیه یا ظهرنویس را کرده فقط با کسی مسئولیت تضامنی دارد که از او ضمانت نموده است». همان‌طور که ملاحظه می‌شود، این ماده خصیصه تبعی ضمانت را در حقوق مربوط به اسناد تجاری، همانند حقوق مدنی (کاتوزیان، ۱۳۶۴: ش ۱۴۴) حفظ کرده است، چیزی که در حقوق فرانسه به طور مطلق دنبال نمی‌شود. در واقع، هرچند که در فرانسه اصل بر تبعی بودن تعهد ضامن در اسناد تجاری است<sup>۱</sup>. لیکن در حقوق این کشور در مواردی تعهد ضامن سند تجاری

۱. در واقع در حقوق این کشور نیز اصل بر تبعی بودن تعهد ضامن در اسناد تجاری است (Didier, 1999, P.357) و اصل استقلال امضانات در رابطه با ضامن و مضمون‌عنه تنها در حدود بند ۸ ماده ۲۱ - L۵۱۱ قانون تجارت قابل اعمال است که به موجب آن: «تعهد (ضامن) صحیح است حتی اگر تعهدی که ضمانت کرده است به دلیلی غیر از عیب شکلی سند، باطل

از تعهد مضمون‌عنه مستقل است<sup>۱</sup> و صف تبعی ضمانت ضامن در چک در حقوق ایران، این نتیجه را به دنبال دارد که دارنده بتواند در همان شرایطی وجه چک را از ضامن مطالبه کند که می‌تواند از مضمون‌عنه او مطالبه کند. از این حیث، به طور کلی، ضمانت در چک تابع شرایط ضمانت در برات است.

با وجود این، موقعیت حقوقی ضامن چک، به نسبت ضامن برات از دو جهت متفاوت است: از حیث مهلت‌های رجوع دارنده به او که کوتاه‌تر از مهلت‌های رجوع به دارنده برات است و از حیث طریق مراجعه دارنده به ضامن که در چک وضعیتی دشوارتر دارد. موضوع این بخش نیز به همین دو بحث اختصاص دارد: مهلت‌های مراجعه به ضامن چک که در مبحث اول و طریق رجوع به او که در مبحث دوم بررسی می‌شود.

### مبحث اول - مهلت‌های رجوع دارنده چک به ضامن

مهلت‌های مراجعه به ضامن در چک بر حسب اینکه او ضامن کدام یک از مسئولین است متفاوت است. در این ارتباط، ماده ۳۱۵ قانون تجارت مقرر می‌کند: «اگر چک در همان مکانی صادر شده است که باید تأدیه گردد، دارنده چک باید در ظرف پانزده روز از تاریخ صدور وجه آن را مطالبه کند و اگر از یک نقطه به نقطه دیگر ایران صادر شده باشد باید در ظرف چهل و پنج روز از تاریخ صدور چک مطالبه شود» در همین ماده، ضمانت اجرای عدم رجوع به مسئولین (صادرکننده و ظهرنویس) نیز مشخص شده است: «اگر دارنده چک در ظرف مواعد مذکوره در این ماده پرداخت وجه آن را مطالبه نکند دیگر دعوی او علیه ظهرنویس مسموع نخواهد بود و اگر چک به سببی که مربوط به محال‌علیه است از بین برود دعوی دارنده چک علیه صادرکننده نیز در محکمه مسموع نیست». از آنجا که، به حکم ماده ۲۴۹ ق.ت. تعهد ضامن از تعهد مضمون‌عنه تبعیت کامل می‌کند، لذا، برای آنکه دارنده بتواند به ضامن رجوع کند، رعایت مهلت‌های فوق ضروری است. بعد از گذشت مهلت‌های فوق، اگر ضامن از صادرکننده ضمانت کرده باشد و صادرکننده وجه چک را به محال‌علیه رسانده باشد،

باشد» به عبارت دیگر در صورت عیب ظاهری سند، ضامن نیز مانند مضمون‌عنه می‌تواند در مقابل دارنده به ایراد یا ایراداتی متوسل شود که مضمون‌عنه او می‌تواند مطرح کند. در این خصوص ر.ک.به:

Ripert et Roblot, op.cit. no 2013 et les références citées à la note 204.

۱. در واقع در حقوق این کشور، استقلال تعهد ضامن از تعهد مضمون‌عنه در مواردی، مضمول اصل کلی استقلال امضاءات حاکم بر اسناد تجاری است. مثلاً ضامن مسئول پرداخت وجه سند تجاری به دارنده است حتی اگر مضمون‌عنه او فاقد اهلیت باشد (T.com. Seine, 24 avril, 1928, 738). یا وقتی که رضایت مضمون‌عنه معیوب است (Ripert et Roblot, no 2013). مگر در فرضی که دارنده حسن نیت ندارد (Jacob, note sous Cass: req., 24 mars 1998, J.C.P. (1998, II. 10144

ولی وجه به سببی که مربوط به محال‌علیه است - مانند فرضی که محال‌علیه یک بانک است و ورشکسته شده است - از بین برود دارنده که حق رجوع به مضمون‌عنه را ندارد، حق مراجعه به ضامن را نیز از دست می‌دهد.

اگر صادرکننده محل را به محال‌علیه نرسانده یا محل را از محال‌علیه مسترد کرده باشد، دارنده که حق رجوع به صادرکننده را دارد، به ضامن او نیز می‌تواند رجوع کند. اگر ضامن از ظهرنویس چک ضمانت کرده باشد، پس از گذشت مهلت‌های موضوع ماده ۳۱۵ قانون تجارت، دارنده دیگر حق رجوع به او را نخواهد داشت.

دعوی دارنده علیه ضامن صادرکننده یا ظهرنویس به شرح فوق، تنها تا پنج سال از تاریخ مطالبه چک میسر است (ماده ۳۱۸ ق.ت.) و بعد از آن دارنده تنها می‌تواند از کسی وجه چک را مطالبه کند که «به ضرر او استفاده بلاجهت کرده است» (ماده ۳۱۹ ق.ت.) که صادرکننده و در پاره‌ای موارد نادر ظهرنویس است و در مورد ضامن چک مصداق پیدا نمی‌کند.<sup>۱</sup>

### مبحث دوم - طرق مطالبه وجه چک از ضامن

تبعی بودن تعهد ضامن در چک قاعداً باید این نتیجه را داشته باشد که دارنده بتواند تمامی طرق ممکن جهت مراجعه به صادرکننده یا ظهرنویس را برای رجوع به ضامن استفاده کند با وجود این. مقررات حاکم بر چک اجازه چنین نتیجه‌گیری را نمی‌دهد. در واقع، دارنده چک می‌تواند سه طریق را برای مطالبه وجه چک از صادرکننده در پیش گیرد: صدور اجرائیه (ماده ۲ قانون صدور چک ۱۳۸۲)، شکایت کیفری (مواد ۸ و ۱۰ قانون صدور چک) و طرح دعوی مدنی (براساس مقررات قانون تجارت و قانون مدنی). اما دارنده برای رجوع به ضامن چک (اعم از اینکه او ضامن صادرکننده باشد یا ظهرنویس) تنها می‌تواند طرح دعوی مدنی کند.

پس از این توضیح مقدماتی باید دید که دارنده، برای رجوع به ضامن صادرکننده یا ظهرنویس چه اقدامی باید انجام دهد.

۱. صادرکننده در اغلب به اتفاق موارد، کسی است که با صدور چک بلامحل در قبال اخذ مالی، دارای بلاجهت است. اما، ظهرنویس نیز می‌تواند مثلاً در فرض زیر دارای بلاجهت تلقی شود: شخصی از دیگری تقاضای قرض می‌کند، قرض‌دهنده به جای وجه نقد چکی به متقاضی قرض تسلیم می‌کند. متقاضی قرض چک را ظهرنویسی کرده به فروشنده‌ای تسلیم و از او کالائی دریافت می‌کند. دارنده (فروشنده) پس از گذشت ۵ سال به محال‌علیه رجوع می‌کند و معلوم می‌شود که مجلسی به محال‌علیه نرسیده است. در جریان رسیدگی معلوم می‌شود که ظهرنویس (خریدار مال) قرض خود به صادرکننده را مسترد نکرده است و به عبارت دیگر با ظهرنویسی چک مالی دریافت کرده و وجه آن را پرداخت نکرده است. دارنده چک (فروشنده) می‌تواند علیه او اقامه دعوی کند چون او دارنده بلاجهت است ولی حق رجوع به ضامن او را ندارد چون او کسی نیست که دارای بلاجهت شده باشد و ماده ۳۱۹ قانون تجارت تنها دعوی دارنده را بر مبنای تئوری داراشدن بلاجهت تجویز کرده است و نه بر مبنای سند تجاری.

در برات در صورت عدم پرداخت توسط محال‌علیه، دارنده باید در مواعیدی که قانون تجارت معین کرده است اعتراض کند و الا حق رجوع به مسئولین امضاءکننده برات را ندارد. آیا، برای رجوع به مسئولین و از جمله ضامن چک نیز اعتراض ضروری است؟ این سؤال از آنجا قابل طرح است که در حالی که ماده ۳۱۴ قانون تجارت، در رابطه با اعتراض، صراحتاً مقررات برات را در مورد چک نیز لازم‌الاجرا دانسته است، قانون صدور چک، برای تعقیب صادرکننده چک «گواهی عدم پرداخت» منعکس در ماده ۴ این قانون را ضروری دانسته است. آیا به جای اعتراض، مطابق ماده ۳۱۴ قانون تجارت، می‌توان، برای تعقیب مدنی صادرکننده و ظهورنویس و به تبع آنها ضامن تنها به گواهی عدم پرداخت متوسل شد و اعتراض را مراعی گذاشت؟

در حقوق فرانسه، اعتراض و گواهی عدم پرداخت، هرکدام کاربرد حقوقی خود را دارد. در واقع، اگر چک در زمان ارائه به محال‌علیه کلاً یا جزئاً پرداخت نشود، دارنده باید اعتراض کند (مواد ۶۱ - ۱۳۱ L تا ۶۴ - ۱۳۱ L قانون پولی و مالی). این اعتراض دقیقاً به همان ترتیبی انجام می‌شود که برای برات مقرر است و اثبات ارائه برات توسط دارنده به محال‌علیه جز از طریق اعتراض میسر نیست (Ripert et Roblot, op.cit., no 2210). اثر عدم اعتراض هم این است که چک مشمول مقررات و امتیازاتی که در قانون برای این سند در نظر گرفته شده است، نخواهد بود. معذالک، برای تسهیل در احراز اینکه چک فاقد محل است، قانون‌گذار از سال ۱۹۳۵ پیش‌بینی کرده است در صورتی که چک پرداخت نشود، دارنده می‌تواند از محال‌علیه بخواهد «گواهی خودداری از پرداخت» (attestation de rejet) صادر کرده و در اختیار او قرار دهد. این گواهی که نه کار اعتراض را می‌کند و نه جای اعتراض را می‌گیرد، پیوست چک به دارنده تسلیم می‌شود. بعلاوه، از زمان تصویب قانون ۱۱ ژوئیه ۱۹۸۵ و قانون اصلاحی ۳۰ دسامبر ۱۹۹۱ (ماده ۷۳ - ۱۳۱ L قانون پولی و مالی فعلی این کشور) در صورت درخواست متقاضی (دارنده) محال‌علیه باید ظرف سی‌روز از تاریخ نخستین ارائه چک گواهی دیگری تحت عنوان «گواهی عدم پرداخت» (Certificat de non-paiement)، برای متقاضی ارسال کند. گواهی‌های اخیر صرفاً برای طرح شکایت کیفری مفیدند و برای آنکه دارنده بتواند براساس قواعد براتی به مسئولین چک رجوع کند، اعتراض ضروری است. با وجود آن که هم ماده ۳۱۵ قانون تجارت ایران که برای رجوع به مسئولین چک «اعتراض» را ضروری دانسته و هم ماده ۴ قانون صدور چک که «گواهی عدم پرداخت» را پیش‌بینی کرده است، دقیقاً از قانون فرانسه اقتباس شده‌اند، بخشی از رویه قضائی بر ضرورت اعتراض در خصوص چک، مانند برات تأکید کرده و بخشی آن را غیرضروری دیده و گواهی عدم پرداخت را کافی دانسته است که

سرانجام هیأت عمومی دیوان عالی کشور، در مقام ایجاد وحدت رویه، نظر دوم را تأیید کرده است. مطالعه آراء موافق و مخالف بی‌فایده نیست.

### الف- نظریه ضرورت اعتراض در چک

در تأکید بر ضرورت اعتراض (که امروزه به درخواست تعبیر می‌شود)، شعبه دهم دیوان عالی کشور در رأی شماره ۱۰/۹۹ - ۶۹/۲/۱۱ خود در مقام قبول اعتراض فرجامخواه (ظهنویس یک فقره چک) به اینکه برای رجوع به ظهنویس چک می‌بایست درخواست می‌شده و نشده و بنابراین وجه چک از او قابل مطالبه نیست، چنین بیان نظر می‌کند:

«اعتراض معترض نتایجاً موجه است زیرا به فرض اینکه بتوان نوشته ظهر چک‌ها و امضاء خوانده را در ذیل آنها ظهنویسی به معنای خاص قانونی خود تلقی کرد، شکایت ظهنویس تابع ضوابط خاصی از جمله درخواست می‌باشد که در ماده ۲۴۹ قانون تجارت به آن اشاره شده و در مورد مستندات پرونده حاضر ظاهراً درخواست به عمل نیامده است و مطابق ماده ۲۹۵ قانون تجارت هیچ نوشته‌ای از جمله گواهی عدم پرداخت بانک جایگزین وخواستنامه نخواهد بود. با این صورت، مطالبه وجه چک‌های موضوع دعوی از خوانده (ظهنویس) موجه و قانونی نیست».

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، شعبه دهم دیوان عالی در رأی خود برای رجوع به مسئولین چک بر ضرورت اعتراض (واخواست) تأکید کرده است و براساس ماده ۲۹۵ ق.ت. هیچ نوشته‌ای را جایگزین اعتراضنامه تلقی نمی‌کند. اما برای توجیه نظر خود هیچ اشاره‌ای به ماده ۳۱۵ که مبنای تصمیم‌گیری او است، نمی‌کند.

### ب- نظریه عدم ضرورت اعتراض در چک

رأی فوق در حالی صادر شده است که قبل از آن هیأت عمومی دیوان عالی کشور در رأی معروف شماره ۱۶۵۴ مورخ ۱۳۴۰/۵/۱۰ ضرورت اعتراض را که به پروتست تعبیر می‌کند و دادگاه تالی بر آن تأکید کرده بود، زیر سؤال برده و گواهی عدم پرداخت بانک را برای اعمال مفاد ماده ۲۴۹ قانون تجارت علیه مسئولین کافی دانسته بود. نظر هیأت مزبور چنین است: «پروتست مقرر در ماده ۲۹۳ قانون تجارت نسبت به بروات تجارتي به منظور احراز نکول محال علیه است تا پس از تحقق نکول دارنده برات مجاز و محق برای مراجعه به صادرکننده برات یا ظهنویس و یا به همه آنها مجتمعاً باشد و نسبت به چک اتیان این تشریفات به نحوی که ماده ۲۳۶ قانون تجارت پیش‌بینی نموده ضرورت ندارد و نامه بانک ملی ایران بر عدم تأدیه وجه چک کافی بوده و الزامی برای واخواست در مورد چک بر علیه بانک نیست و چون

ظهنویس در قبال دارنده چک مسئول است و عدم تأدیه وجه چک نیز از طرف بانک ضمن اظهارنامه ارسالی به فرجامخوانندگان اعلام و وجه چک مطالبه گردیده و دادگاه نیز توجه دعوی را به نامبردگان پذیرفته با این وصف قرار عدم استماع دعوی به استناد قانون تجارت در مطالبه وجه چک از ظهنویس‌ها به عنوان اینکه واخواست نشده غیرموجه می‌باشد و قرار فرجامخواسته مخدوش تشخیص و نقض می‌شود...».

همان‌طور که ملاحظه می‌شود هیأت عمومی دیوان کشور در این رأی اصراری، اعتراض در مورد چک را الزامی ندانسته و نامه بانک بر عدم تأدیه را کافی دانسته است، اما برای توجیه حق رجوع دارنده به ظهنویس ارسال اظهارنامه از طرف بانک به ظهنویس مبنی بر عدم تأدیه را نیز اضافه کرده است.

در تاریخ ۱۳۶۹/۷/۱۰ جلسه هیأت عمومی دیوان عالی کشور تشکیل شده و در مقام ایجاد وحدت رویه رأی شماره ۵۳۶ - ۶۹/۷/۱۰ خود را به این شرح صادر کرده است:

«قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ و مادتين ۲ و ۳ قانون تجارت به شرح مواد ۳۱۰ تا ۳۱۵ شرایطی خاص را در خصوص چک مقرر داشته که از آن جمله کیفیت صدور چک و تکلیف دارنده چک از لحاظ موعد مراجعه به بانک و اقدام بانک محال‌علیه به پرداخت وجه چک یا صدور گواهی عدم تأدیه وجه آن و وظیفه قانونی بانک دایر به اخطار مراتب به صادرکننده چک می‌باشد. مسئولیت ظهنویس چک موضوع ماده ۳۱۴ قانون تجارت هم براساس این شرایط تحقق می‌یابد و واخواست برات و سفته به ترتیبی که در ماده ۲۸۰ قانون تجارت قید شده ارتباطی با چک پیدا نمی‌کند. بنابراین، گواهی بانک محال‌علیه دایر به عدم تأدیه وجه چک که در مدت ۱۵ روز به بانک مراجعه شده به منزله واخواست می‌باشد.»

این رأی که به سبب مخالفت مفاد آن با صراحت ماده ۳۱۴ قانون تجارت قابل انتقاد است<sup>۱</sup> وضعیت دشواری برای ضامن چک ایجاد می‌کند زیرا، در حالی که صادرکننده، لاقلاً به لحاظ آنکه توسط بانک از بلامحل بودن چک مطلع می‌شود<sup>۲</sup> و ممکن است بتواند اقداماتی در مقابل دارنده انجام دهد و یا حتی وجه چک را تأمین کند و مانع رجوع دارنده به مقامات قضائی شود، ضامن هیچگونه اطلاعی از عدم پرداخت چک پیدا نمی‌کند. از طرفی، قانون صدور چک در تبصره الحاقی ۱۳۷۶/۳/۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام ذیل ماده ۲ به دارنده چک حق

۱. در انتقاد از این رأی ر.ک. به: کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۹)، «مسئولیت ظهنویسان و ضامنان چک» مجله کانون وکلا، شماره ۴،

دوره جدید، ص ۲۲۷.

۲. در واقع به موجب ماده ۴ قانون صدور چک، «بانک مکلف است به منظور اطلاع صادرکننده چک فوراً نسخه دوم (گواهی عدم پرداخت) را به آخرین نشانی صاحب حساب که در بانک موجود است ارسال دارد». معذک، عدم ارسال این گواهی مانع حق دارنده به تعقیب صادرکننده و ظهنویس و ضامن، حسب مورد، نیست.

داده است که محکومیت صادرکننده به پرداخت تمامی خسارات و هزینه‌های وارده شده را که مستقیماً و به طور متعارف در جهت وصول طلب خود از ناحیه وی متحمل شده است از دادگاه تقاضا نماید. مجمع تشخیص مصلحت نظام، در تفسیر این تبصره چنین نظر داده است: «منظور از عبارت کلیه خسارات و هزینه‌های وارد شده مذکور در تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک، خسارات تأخیر تأدیه بر مبنای نرخ تورم از تاریخ چک تا زمان وصول آن توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام شده و هزینه دادرسی و حق الوکاله براساس تعرفه‌های قانونی است». ضامنی که از عدم پرداخت چک هیچگونه اطلاعی پیدا نمی‌کند باید تحمل پرداخت خسارت تأخیر را نیز مانند صادرکننده‌ای که پرداخت نکرده، متحمل شود در حالی که، می‌توانست در صورت ارائه چک به او یا با مطلع شدن از پرداخت، از همان زمان وجه چک را بپردازد و خود را از تحمل خسارات برهاند. اعمال تبصره الحاقی ۱۳۷۶ ماده ۲ از این جهت در مورد ضامن صادرکننده و ظهرونی غیرمنطقی به نظر می‌رسد که مجمع تشخیص مصلحت نظام خسارت تأخیر تأدیه وجه چک را نه از تاریخ مطالبه (یعنی مراجعه دارنده به بانک) بلکه از تاریخ صدور چک قابل محاسبه می‌داند. این در حالی است که ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی خسارت تأخیر تأدیه را از تاریخ مطالبه قابل وصول می‌داند. در چنین شرایطی وضع مسئولین برات و سفته از جمله ضامن، از وضع مسئولین چک مناسب‌تر است، زیرا از مسئولین دو سند اول، خسارت تأخیر را می‌توان تنها از تاریخ مطالبه (اعتراض) مطالبه کرد.

البته، باید اذعان کرد که اتخاذ روش منعکس در رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور، در عمل مطلوب‌تر است. در واقع، از یک طرف، رعایت تشریفات اعتراض امر در دسرسزائی است بخصوص برای دارندگان غیرتاجر و در خصوص مبالغ ناچیز، و از طرف دیگر، اینکه صادرکننده توسط بانک از عدم پرداخت مطلع می‌شود، ما را به همان هدفی می‌رساند که تأسیس حقوقی اعتراض به دنبال آن بوده است. به علاوه اگر هدف از اعتراض در برات، اعلام این امر به محال‌علیه است که برات پرداخت نشده است، این هدف با مراجعه به بانک و صدور گواهی عدم پرداخت حاصل است. لیکن این توجیه منطقی باید ما را به تغییر و اصلاح ماده ۳۱۵ قانون تجارت ترغیب کند نه اینکه، مانند دیوان عالی کشور متن ماده را طوری تفسیر کنیم که تفسیر با صراحت ماده، که اعتراض را در مورد چک تابع اعتراض در برات قرار داده است، در تعارض آشکار قرار گیرد.

## نتیجه‌گیری

مطالعه مقررات ناظر بر ضمانت در چک نشان می‌دهد که: برخلاف نظر بعضی مؤلفین حقوق تجارت ایران ضامن چک، مانند ضامن برات، حسب مورد با صادرکننده و یا ظهرنویسی که از او ضمانت کرده است، مسئولیت تضامنی دارد.

معذک، موقعیت ضامن چک، به تبع وضع مضمون‌عنه با موقعیت ضامن برات چه از حیث مهلت‌های حق رجوع دارنده به ضامن و چه از حیث تشریفات که دارنده باید برای رجوع به ضامن چک مراعات کند، متفاوت است.

در واقع، از حیث مهلت، دارنده چک از دارنده برات مهلت کمتری برای رجوع دارد. این مهلت کوتاه (۱۵ روز از تاریخ مطالبه از محال‌علیه)، با توجه به فوری بودن پرداخت در چک امری طبیعی است. از حیث تشریفات رجوع نیز در حالی که دارنده برات برای مراجعه به ضامن مکلف است، طبق ماده ۲۴۹ قانون تجارت، مبادرت به اعتراض (واخواست) کند، در چک، مطابق رأی وحدت رویه ۵۳۶ - ۶۹/۷/۱۰ الزامی به اعتراض ندارد و کافی است، برای رجوع به ضامن گواهی بانک محال‌علیه مبنی بر عدم یا کسر موجودی حساب را به مرجع قضائی ارائه دهد.

این راه حل، اگرچه از جهت رعایت مرّ قانون (ماده ۳۱۴ ق.ت.) خلاف به نظر می‌رسد، لیکن عملاً مفید است، زیرا دارنده چک برخلاف دارنده برات، معمولاً شخص غیر تاجر و غیرحرفه‌ای است، لذا الزام او به اقدام به اعتراض، تکلیف شاقی است که باید از آن پرهیز کرد. به جز مورد بالا، ضمانت در چک تابع مقررات ضمانت در برات است.

## منابع و مأخذ

### الف - فارسی

۱. اخلاقی، بهروز (۱۳۶۹) «چک در قلمرو حقوق تجارت بین‌الملل»، مجله حقوقی، شماره سیزدهم.
۲. اسکینی، ربیعا (۱۳۸۳) حقوق تجارت (برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک)، انتشارات سمت، چاپ هشتم.
۳. اعظمی زنگنه، عبدالحمید، حقوق بازرگانی، به اهتمام دکتر سهراب امینیان، چاپ سوم، تهران (فاقد قید نام ناشر).
۴. دمیرچیلی، محمد، حاتمی، علی و قرائی، محسن (۱۳۸۱)، قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، انتشارات خلیج فارس، چاپ دوم.
۵. ستوده تهرانی، حسن (۱۳۷۴)، حقوق تجارت، جلد سوم، نشر دادگستر، چاپ اول.
۶. عرفانی، محمود (۱۳۸۲)، حقوق تجارت، اسناد تجاری، نشر میزان، چاپ اول.
۷. فخاری، محمدحسین (۱۳۷۷)، «ضامن در چک»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۴.
۸. قائم مقام فراهانی، محمدحسین (۱۳۷۹)، چک، نشر دادگستر، چاپ اول.
۹. کاتبی، حسینقلی (۱۳۶۴) حقوق تجارت، انتشارات کتاب فرزان، چاپ دوم.
۱۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۴)، حقوق مدنی، عقود اذنی - وثیقه‌های دین، انتشارات بهنشر.



۱۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۹) «مسئولیت ظهرنویسان و ضامنان چک»، مجله کانون وکلا، شماره ۴، دوره جدید، ص ۲۲۷

### ب- خارجی

- 1- Didier, Paul (1999), **Droit Commercial**, t.2 Presses Universitaires de France (PUF).
- 2- Jacob, note sous Cass., 24 mars 1998, J.C.P. 1998, II. 10144.
- 3- Ripert, Georges et Roblot, René, par Delebecque, Philippe et Germain, Michel (2004), **Traité de droit commercial, t.2, L.G.D.J**